

ژ. م. گ. لوکلزیو

ترجیع گرسنگی

برگردان

مهستی بحرینی



انتشارات نیلوفر

سرشناسه	: لوکلزیو، ژان-ماری گوستاو، ۱۹۴۰- م.
	Le Clézio, J.-M.G. (Jean-Marie Gustave)
عنوان و نام پدیدآور	: ترجیع گرمسگی / ژ. م. گ. لوکلزیو، برگردان مهستی بحرینی.
مشخصات نشر	: تهران، نیلوفر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۳ ص.
شابک	: 978-964-448-427-8
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Ritournelle de la faim: roman
موضوع	: داستان‌های فرانسوی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده	: بحرینی، مهستی، ۱۳۱۷ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۸ / ۸۲۸ و / PQ ۲۹۸۰
رده‌بندی دیویی	: ۸۴۳/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۷۱۸۳۲



استادان تهران خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

ژ. م. گ. لوکلزیو

ترجیع گرمسگی

برگردان: مهستی بحرینی

حروفچینی: شیمتری

چاپ اول: پاییز ۱۳۸۸

چاپ دیا

شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۸-۴۲۷-۸

۴۵۰۰ تومان

فهرست

۷	یادداشت مترجم.....
۱۳	گرسنگی را می‌شناسم.....
۱۷	۱. خانه ارغوانی.....
۳۱	گزینیا.....
۵۱	گفتگوهای اتاق پذیرایی.....
۷۵	گفتگوهای اتاق پذیرایی (دنباله).....
۹۷	۲. سقوط.....
۱۳۳	پولدو.....
۱۴۵	۳. سکوت.....
۱۵۴	۱۹۴۲.....
۱۶۵	گرسنگی.....
۱۹۹	بدرود.....
۲۱۵	امروز.....
۲۲۲	آخرین ضربه‌ها.....

یادداشت مترجم

ژان ماری گوستاو لوکلزیو، نویسنده فرانسوی و برنده جایزه نوبل ۲۰۰۸، در سال ۱۹۴۰، در نیس، چشم به جهان گشود. خانواده او ریشه در برتانی داشت اما یکی از اجداد او، در ۱۷۹۴، برای رهایی از فقر و بینوایی، با زن و فرزنداناش عازم هندوستان شد و چون این سفر دریایی، که شش ماه به طول انجامید، توش و توانشان را تحلیل برد، ناگزیر در جزیره موریس، مستعمره پیشین فرانسه در اقیانوس هند، پیاده شدند و در همان جا استقرار یافتند. از آنجا که این جزیره از زمان ناپلئون به استعمار انگلستان درآمده بود، آن‌ها نیز به ناچار تابعیت این کشور را پذیرفتند.

پدربزرگ و مادربزرگ لوکلزیو، پس از مهاجرت به فرانسه، در پاریس، بولوار مونپارناس، محل تجمع برتون‌های جزیره موریس، سکونت گزیدند و این‌ها همان گروه کوچک موریزی‌های مقیم پاریسند که وصفشان به بهترین نحوی در «ترجیع گرسنگی» آمده است.

داستان با شعری از «جشن گرسنگی» آرتور رمبو آغاز می‌شود و با خاطره نخستین اجرای «بولرو» اثر راول، آهنگساز فرانسوی، پایان می‌پذیرد. در جای جای کتاب، ضرباهنگ گرسنگی، و نیز خشم، طنین می‌افکند و همچون ترجیعی تکرار می‌شود. زمان داستان به سال‌های میان دو جنگ جهانی

برمی‌گردد و چنانکه خود نویسنده می‌گوید، کتاب را به یاد مادر و با الهام از رویدادهای زندگی او نوشته است. با این همه، باز هم به گفتهٔ خود او، برای اینکه کتابش در شمار کتاب‌های شرح حال قرار نگیرد، تخیل و واقعیت را درهم آمیخته و زمان داستان را ده سال به عقب برده است تا از این راه بتواند فضای داستان، شخصیت‌ها و روابطشان را با یکدیگر تغییر دهد. نام‌های شخصیت‌ها، که با نام‌های اصلی‌شان مطابقت ندارد، و نیز یهودی بودن پدر قهرمان داستان، که در عالم واقع بایستی پدر بزرگ نویسنده باشد، از جملهٔ این تغییرات است. همچنین ساختار داستان که در عین رئالیستی بودن از ویژگی‌های داستان‌های پسا مدرنیستی همچون عدم قطعیت و تا حدی عدم انسجام برخوردار است، موجب می‌شود که به هیچ روی نتوانیم آن را در عداد زندگی‌نامه‌ها قرار دهیم. البته عناصر برگرفته از واقعیت نیز در این کتاب کم نیست و نویسنده در مصاحبه با نشریهٔ «لیور هبدو» به آن‌ها اشاره کرده است. به عنوان مثال، خانه‌ای که دایی بزرگ شخصیت داستان از نمایشگاه مستعمراتی می‌خرد و در کتاب نام «خانهٔ ارغوانی» به آن داده شده، واقعیت داشته و در پاریس کنونی، اتاقک نگهبان انستیتو پاستور دقیقاً جای آن را گرفته است و لوکلزیو، هرازگاهی، قدم‌زنان به آنجا می‌رود تا خاطرهٔ آنچه را از مادر شنیده است تجدید کند. همچنین فرار مادرش، به همراه پدر بزرگ و مادر بزرگ از پاریس به نیس، در دوران اشغال فرانسه توسط آلمانی‌ها، خود رو قدیمی که با آن از پاریس فرار کردند و لوکلزیو سال‌ها آن را در حیاط خانه‌شان در نیس دیده بود، فقری که در دوران جنگ گریبانگیرشان بود به طوری که با برگ‌های شلغم و کدو و دیگر پس‌مانده‌های بساط سبزی‌فروشان سدجوع می‌کردند، هیچ‌یک آفریدهٔ ذهن نویسنده نیست. لوکلزیو این عناصر را دست‌مایهٔ کار خود قرار داده اما بیش از هر چیز از تخیل خود سود جسته است.

او می‌گوید: «تخیلی که در خلق رمان به کار گرفته می‌شود، خاطره واقعی است چون از خاطراتمان مایه می‌گیرد، از یادها و یادبودها و نامه‌ها اقتباس می‌کند، اما همچنان تخیل برجا می‌ماند».

در پایان این مقال، بر خود فرض می‌دانم که از لطف آقای دکتر عبدالرضا افشار نادری که با دانش وسیع خود مرا در حل پاره‌ای از دشواری‌های کتاب، و به خصوص در توضیح نام‌های خاص، یاری دادند صمیمانه سپاسگزاری کنم.

م. ب.